

مفهوم کارآفرینی

واژه کارآفرینی برگرفته از زبان فرانسه است. در اوائل سده شانزدهم میلادی کسانی را که در امر هدایت مأموریت های نظامی بودند را کارآفرین می خواندند، از آن پس درباره انواع دیگر مخاطرات نیز که شامل مأموریت های نظامی بود، کارآفرینی می خواندند.

واژه نامه "ویستر" کارآفرین را فردی متعهد معرفی می کند که خطر فعالیت های اقتصادی را پذیرفته و آنها را سازماندهی می کند، تقریباً در همه تعاریف این توافق وجود دارد که در مورد رفتاری بحث کنیم که پیشگام است و ساز و کارهای اجتماعی و اقتصادی را برای تبدیل منابع و موقعیتها به وضعیت عملی سازماندهی یا سازماندهی مجدد می کند.

کارآفرینی چیست؟

اصطلاح کارآفرین Entrepreneur در معنا و مفهوم فعلی را اولین بار ژوزف شومپتر^۱ به کار برد. وی یکی از اقتصاد دانان برجسته می باشد که بعد ها او را پدر علم کارآفرینی می نامند.

شومپتر بر این باور است که افرادی در بین سایر آحاد جامعه با خطر پذیری اقدام به نوآوری کرده اند و با این کار روش ها و راه حل های جدید را جایگزین راهکارهای نا کارآمد و کهن قبل نموده اند.

واژه کارآفرین در بر دارنده معنای موفقیت است. این واژه به معنای محصولات، ابداعات، کیفیت و خدمات نوین است. در درون یک شرکت این واژه به معنای نوع خاصی از روحیه سرزندگی و فضیلت است.

واژه کارآفرینی از قرنهای پیش و قبل از آنکه به زبان امروزی مطرح شده باشد در زبان فرانسه متداول گردید، این واژه معادل کلمه فرانسوی Entrepreneur به معنای متعهد شدن

و معادل کلمه Takunder در زبان انگلیسی می باشد که در سال ۱۸۴۸ توسط جان استوارت میل به کار آفرینی (Entrepreneur) در زبان انگلیسی ترجمه شد.

تعاریف کار آفرینی

با توجه به این که نمی توان یک تعریف واحد برای کار آفرینی بیان نمود ، اما تعاریفی چند وجود دارد که حائز شرایط کار آفرینی بوده و به طور کلی بیان گر ویژگی های کار آفرینان می باشد:

۱. کار آفرینی عبارت است از فرآیند ایجاد ارزش، از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره گیری از فرصت ها.

۲. کار آفرینی فرآیند خلق چیزی نو با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی ، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی ، رضایت شخصی و استقلال می باشد.

کار آفرین کیست؟

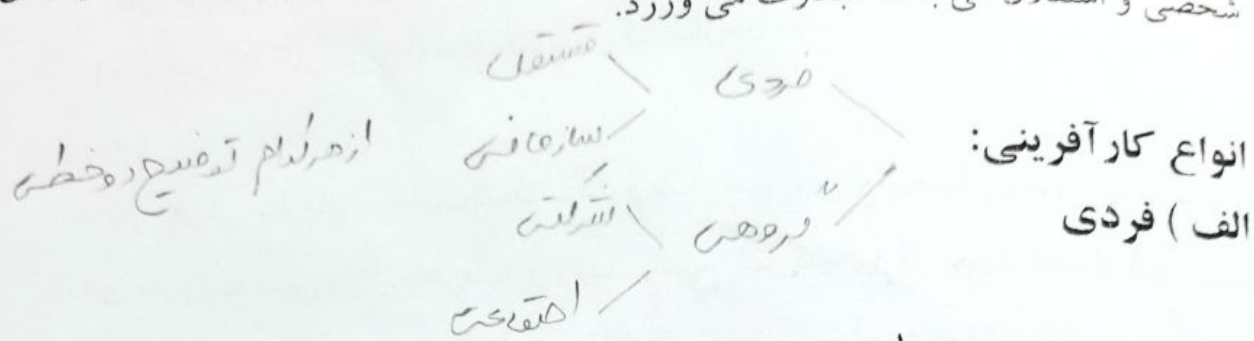
پیتر دراگر^۱ معتقد است کار آفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه ی خود شروع می نماید . کار آفرین ارزش ها را تغییر می دهد و ماهیت آنها را دچار تحول می نماید.

آدام اسمیت اقتصاد دان کلاسیک قرن هجدهم می گوید : کار آفرین شخصی است که می تواند نیاز های بازار را تشخیص دهد و با شروع کاری متحورانه از فرصت به دست آمده بهره برداری نماید.

از نظر اقتصاد دانان کار آفرین کسی است که منابع، نیروی کار، مواد و سایر دارایی ها را با هم ترکیب می کند تا ارزش آنها را نسبت به قبل بیشتر نماید.

به عبارت دیگر کار آفرینی فرآیندی است که فرد کار آفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید به معرفی محصول یا خدمت جدیدی و یا بهبود ساختار تولید که

توأم با پذیرش مخاطرات مالی، روانی و اجتماعی و دریافت منابع مالی و رضایتمندی شخصی و استقلال می باشد مبادرت می ورزد.



۱. کارآفرینی مستقل^۱

فرآیندی که کارآفرین از ایده اولیه تا ارائه محصول به جامعه کلیه فعالیت های کارآفرینانه را با ایجاد یک بنگاه اقتصادی جدید به طور مستقل طی می کند. (

انگیزه های مختلفی در افراد وجود دارد که سبب می شود به طور مستقل کار کنند یکی از این انگیزه ها استقلال طلبی است که از قوی ترین نیازهای فرد کارآفرین ذکر شده است، او می خواهد کارها را به شیوه خود انجام دهد و کار کردن برای دیگران برای او سخت است، زیرا او همواره اعتقاد دارد که بهتر از هر کس دیگری می تواند از عهده کار برآید و همچنین نیاز به پیشرفت و احتیاج به رضایتمندی شغلی از جمله انگیزه هایی است که می تواند شخص را برای ایجاد یک بنگاه اقتصادی مستقل و یا یک فعالیت مستقل تحریک و ترغیب نماید.

رونستات معتقد است: کارآفرینی فرآیند ایجاد ثروت است و کارآفرینی مستقل فرآیندی است که یک شخص به طور آزاد و مستقل فعالیت کارآفرینانه را به ثمر رسانده و برای شروع کسب و کار منابع لازم را جمع آوری و بسیج می نماید.

بنابراین کارآفرین فردی کسی است که فرصتها را کشف می کند و تقاضا را پیش بینی می کند و خطرهای ناشی از نوسانات آن را به عهده می گیرد.

۲. کارآفرینی سازمانی^۱

(فرآیندی که کارآفرین تحت حمایت یک سازمان فعالیت کارآفرینانه خود را به ثمر می‌رساند.)

کارآفرینی سازمانی رقابت تنگاتنگ و شدیدی بین شرکتها و سازمانها، کاهش کارآمدی مدیریت سستی در این عرصه و رشد سریع شرکتهای کوچک است که سبب شده سازمانها اهمیت ویژه‌ای برای نوآوری قایل شوند، زیرا نوآوری را تنها تضمین خود برای بقا در عرصه رقابت می‌دانستند. از این رو سعی می‌کردند افراد خلاق و کارآفرین را که پدیدآورندگان اصلی محصولات و خدمات نو در سازمان هستند را تشویق و ترغیب کنند که در سازمان بمانند و ایده‌های خود را در سازمان محقق سازند. بینکات این افراد را کارآفرینان سازمانی نام نهاد.

شومپتر کارآفرین سازمانی را اینگونه تعریف می‌نماید: کارآفرینی سازمانی شامل فعالیت‌هایی از قبیل توسعه کالا و خدمات جدید، معرفی روشهای جدید، تولید و تشخیص بازارهای جدید، پیدا کردن منابع جدید و توسعه و بهبود سازمان می‌داند.

عمده ترین نقش های کارآفرینان در سازمان: ۷۹۶

۱. عامل شناخت و گسترش بازارهای جدید
۲. عامل تحول و تغییر در سازمان
۳. عامل تحریک و تشویق حس رقابت
۴. عامل سازماندهی منابع و استفاده اثر بخشی از آنها
۵. عامل یکپارچگی و ارتباط با نیازها و مشتریان
۶. عامل رفع فشارها و تنگناهای بازار
۷. عامل ایجاد حس مالکیت در سایر اعضای سازمان

۸. عامل ایجاد انعطاف پذیری بیشتر سازمان و کارکنان

۹. عامل رشد و سود آوری بیشتر در شرکت

۱۰. مجری و اهل عمل

۱۱. پیوند دهنده علم و عمل (کاربردی نمودن دانش و فناوری موجود)

۱۲. شناسایی فرصت ها و بهره برداری صحیح از آن

۱۳. توانمندی در تبدیل تهدیدها به فرصت ها و مزیت رقابتی برای سازمان.

ب. کارآفرینی گروهی

۱. کارآفرینی شرکتی

فرآیندی که یک شرکت طی می کند تا همه افراد آن به کارآفرینی تشویق شده و تمام فعالیت های کارآفرینانه فردی و گروهی به طور مستمر، سریع و راحت در شرکت انجام پذیرد و در این فرآیند هریک از کارکنان در نقش کارآفرین انجام وظیفه می کنند. امروزه شرکت ها و سازمانها سعی می کنند خود نیز کارآفرین باشند تا بتوانند نسبت به تغییر و تحولات انعطاف داشته، و فرصت های موجود در بازار را از دست ندهند، آنها تلاش می کنند کارآفرین درون سازمانی را تا حد ممکن افزایش دهند تا سبب افزایش بهره وری، جلوگیری از خروج افراد نخبه و افزایش توانایی رقابت بین المللی شوند. سازمان های امروزی متعهد می شوند که محصولات جدید، فرآیندهای جدید و نظام های سازمانی نوین ایجاد نمایند و برای این منظور انقلاب جدیدی به سوی تسهیل، تشویق و گسترش فرآیند کارآفرینی درون سازمانی جریان دارد. در این گونه سازمانها استعداد و ایده های کارکنان، سرمایه اصلی سازمان محسوب می شوند.

فرای^۱ معتقد است: کارآفرینی شرکتی زمانی در یک سازمان ایجاد می شود، که بالاترین مقام اجرایی نسبت به مفهوم کارآفرینی متعهد می شود و بعد از آن کل سازمان کارآفرینی را بپذیرد، تا یک ساختار زنده و پویا در سازمان ایجاد شود. و همچنین بخش محصولات جدید برای رهبری تولیدات، تشکیل شده تا شرکت های فرعی بتوانند پیشنهادات را از افراد پذیرفته و به طور مستقل بر روی آنها سرمایه گذاری کنند. و بالاخره اینکه توسعه فرهنگ کارآفرینی و

شناسایی استعداد های کارآفرینان و پاداش به کارآفرینان سازمانی از عمده کارهایی است که یک شرکت برای کارآفرین شدن باید انجام دهد.

۲. کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی یک زمینه نوظهوری است که شامل سازمانهای غیر انتفاعی می شود و این سازمانها افراد را در شروع کسب و کارهای انتفاعی یاری می دهند ، سازمانهای غیر انتفاعی که برای ایجاد نقدینگی برنامه هایشان، ارزش اقتصادی ایجاد می کنند ، از منابع در دسترس به گونه ای خلاقانه برای موضوعات اجتماعی استفاده می کنند.

بنابراین کارآفرینی اجتماعی را اینگونه می توان تعریف کرد:

کارآفرین اجتماعی کسی است که کسب و کار غیر انتفاعی را برای ایجاد درآمد، جهت هزینه کردن خدمات اجتماعی متقبل می شود . و از طرفی امروزه می توان از سازمانها و نهادهای مختلفی نام برد که اقدام به شناسایی و معرفی و تشویق کارآفرینان اجتماعی می کنند ، از جمله می توان از بنیاد پژواک سبز یاد کرد که در نیویورک سرمایه مخاطره پذیری در اختیار کارآفرینان اجتماعی قرار می دهد . همچنین مرکز ملی کارآفرینان اجتماعی که تحت پوشش مرکز بین المللی کارآفرینی اجتماعی است ، مأموریت دارد به کارآفرینان اجتماعی در سراسر دنیا از طریق بخش خصوصی کمک کند ، کمک هایی از قبیل برگزاری سمینارهای آموزشی ، مشاوره ، خدمات بازرگانی ، و و یا صندوق توسعه کارآفرینی رابرتز (REDF) که یکی از پروژه های بنیاد رابرتز در سانفرانسیسکو است، وجوهی را به کارآفرینان اجتماعی پرداخت می کند.

دکتر دیز (DEES) می گوید کارآفرینان اجتماعی به وسیله موارد زیر نقش عاملین تغییر را در اجتماع ایفا می کنند :

۱. داشتن مأموریت (mission) برای ایجاد و حفظ ارزش های اجتماعی به جای ارزش های شخصی

۲. شناسایی و تعقیب بی وقفه فرصت های جدیدی که از طریق آن بتوان مأموریت فوق را محقق ساخت

۳. قرار گرفتن در چرخه و فرآیند نوآوری، سازگاری و یادگیری مستمر
۴. عمل جسورانه و مجاب کننده بدون ترس، از محدودیت منابع موجود و در دسترس
۵. اوج احساس مسئولیت، وفاداری، پاسخ گویی و خدمت به هواداران

مقایسه تفاوت کارآفرینان اجتماعی و اقتصادی

کارآفرینی اجتماعی	کارآفرینی اقتصادی
۱. منبع قدرت آنها حکمت و دانایی همگانی و تجربه است.	۱. منبع قدرت آنها مهارت دانایی فردی است.
۲. متمرکز بر ظرفیت سازی بلند مدت هستند.	۲. متمرکز بر منابع و دستاورد های مالی کوتاه مدت هستند.
۳. ایده هایشان بوسیله آرمانها و ماموریتشان محدود می شود.	۳. هیچ محدودیتی در حوزه ایده هایشان ندارند.
۴. سود برای آنها یک وسیله است.	۴. سود برای آنها یک هدف است.
۵. سودها در راه خدمت به مردم خرج می شوند.	۵. سودها یا انباشته می شوند و یا برای سود بیشتر سرمایه گذاری می شود.

از جمله تفاوت های دیگر کارآفرینان اجتماعی و اقتصادی در این است که ثروت، تنها یکی از اهداف کارآفرینان اجتماعی است و این امر بدان دلیل است که دستورکار کارآفرینان اجتماعی اهداف اجتماعی است و این موضوع بر چگونگی و ارزیابی فرصت توسط کارآفرینان اجتماعی اثر می گذارد حال آنکه میزان موفقیت کارآفرینان اقتصادی بر اساس میزان ارزش اقتصادی است که به دست می آورند.

۶ مورد خدای هم در مورد هلدام

ویژگی های کار آفرینان

تحقیقات نشان می دهد که ویژگی های مشترک قابل تاملی بین کار آفرینان وجود دارد البته این ویژگی ها منحصر به فرد نبوده و هر یک از کار آفرینان بالقوه و بالفعل به یک نسبت از این ویژگی ها و قابلیت ها برخوردار نیستند ، اما باز گو کردن این ویژگی ها از آن جهت اهمیت دارد ، که شناخت ویژگی های کار آفرینان موفق برای افرادی که شروع به کار آفرینی می کنند و یا کار آفرینان بالقوه سبب تشویق و موفقیت احتمالی آنها می شود ، به طوری که فرد با شنیدن این خصوصیات سعی می کند آنها را در خود ایجاد کند و همین امر موجب میل و رغبت بیشتر او به انجام فعالیت های کار آفرینانه می شود .

اینک به بررسی مهم ترین ویژگی های کار آفرینان می پردازیم .

۱. مرکز کنترل درونی:

کار آفرین تمام شکست ها و پیروزی های کار خود را ناشی از تلاش و کوشش خود می داند و عوامل بیرونی را در روند کار تاثیر گذار نمی داند و نتیجه این اعتقاد این است که فرد کار آفرین برای رسیدن به هدف ، به منبع انرژی درونی خود و عملکرد خویش اتکا می کند . البته این بدان معنی نیست که کار آفرین نسبت به عوامل بیرونی کم توجه است بلکه معتقد است که با سعی و تلاش خود می تواند بر همه مشکلات چیره شود .

افرادی که دارای مرکز کنترل درونی اند ، حوادث مرتبط با زندگی خود را کنترل می کنند و صفات مشخص درونی آنان تعیین می کند که در یک موقعیت چه اتفاقی خواهد افتاد . چنین افرادی معتقدند که هر چه بخواهند با استعانت به ذات مقدس پروردگار برایشان دست یافتنی است . تحقیقات نشان می دهد که این افراد از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند ، و به دنبال موقعیتی اند که بتوانند از حکمت و جدیت خود برای هدایت حوادث آینده استفاده و تایید را کنترل کنند .

✓ ۶. توفیق طلبی:

کارآفرینان با انگیزه و مهارت خود دست به رقابت می زنند و سعی می کنند از عهده کاری که برای آن وقت و انرژی شان را متمرکز کرده اند به درستی برآیند ، تمایل به انجام کار در

استاندارد های عالی جهت پیشی گرفتن از رقبای و حتی اینکه خود استاندارد را تعریف کردن نوع بارز توفیق طلبی است ، توفیق طلبان موقعیت هایی را جست و جو می کنند که در کسب باز خورد واقعی آنها ممکن باشد ، یعنی در شرایطی قرار بگیرند که بتوانند از نتیجه فعالیت کار خود آگاه شوند .

۷. خطر پذیری:

خطر ناشی از احتمال شکست در صورت ناموفق بودن فعالیت کارآفرین همواره او را تهدید می کند که این خطر می تواند مالی ، روانی و یا حتی اجتماعی باشد . اما در این موقعیت کارآفرین سعی می کند از طریق تلاش های شخصی این خطرات را مهار کند و شرایط ابهام را تحمل نماید و در این شرایط به درستی تصمیم بگیرد ، البته کارآفرینان ریسک های معتدل را می پذیرند . هرگز چنین نیست که آنان ریسک های غیر منطقی و خطرناک کنند بلکه در اقدام به مخاطره بسیار حساب شده و با دقت عمل می کنند و تمام تلاش خود را به کار می بندند تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند.^۱

۸. تحمل ابهام:

تحمل شرایطی که فرد به طور قطع نمی داند موفق می شود و یا شکست می خورد و پذیرفتن عدم قطعیت و شروع یک فعالیت مستقل در حالی که تصور روشن و واقعی از آینده پیش روی ندارد از تواناییهای فرد کارآفرین می باشد.^۲

۹. خلاقیت و نوآوری:

خلاقیت: عبارت است از توانایی تلفیق ایده ها به شیوه ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده های مختلف.

نوآوری: فرآیند بکارگیری یک ایده خلاق و تبدیل آن به محصول، خدمت و یا کالای قابل عرضه و مفید در جامعه است.

خلاقیت و نوآوری از اجزای جدا نشدنی کارآفرینی اند و به گفته پیترو دراکر وجود نوآوری در کارآفرینی به قدری ضروری است که می توان ادعا کرد که کارآفرینی بدون آن وجود ندارد و خلاقیت نیز بدون نوآوری نتیجه ای در پی ندارد. (Holp, 2002)

از ویژگی های عمده شخصیتی و روانشناختی کارآفرینان می توان به موارد زیر اشاره نمود: نیاز به توفیق، دارای بصیرت، پرتلاش، دستاورد گرا، هدف گرا، دارای اعتماد به نفس، مهارت های ارتباطی، توانایی سازماندهی، قدرت تصمیم گیری، توانایی تشخیص فرصت، توانایی درک مسائل پیچیده، واقع بینی و انعطاف پذیری.

۴ فرآیند کارآفرینی

تا کنون به بعضی از ویژگی های شخصیتی کارآفرینان اشاره شد که در واقع رویکرد روانشناختی به این موضوع داشت اما دیدگاه دیگری وجود دارد که در آن، پدیده کارآفرینی همچون فرآیند انگاشته می شود.

این فرآیند شامل مراحل ذیل می گردد: *دوره ای در دوره های*

۱. شناسایی و ارزیابی فرصت

۲. تدوین طرح تجاری

۳. تامین منابع مورد نیاز

۴. اداره بنگاه تاسیس شده

گیرنده اجرای ساختار و شیوه مدیریتی به اضافه تعیین متغیرهای کلیه موفقیت است.

✓ عوامل موثر بر فرآیند کارآفرینی: از هر کدام ۳ مورد نام ببر

عوامل موثر بر فرآیند کارآفرینی به ۵ دسته تقسیم می گردد:

✓ الف) شرایط اقتصادی و بازاری شامل:

۱. منابع مالی (دسترسی به وام)

۲. نیروی کار (نیروی ماهر)

۳. تسهیلات فیزیکی (دفتر کار، سوله و...)
۴. زیر ساخت های اقتصادی (جاده و ارتباطات)
۵. خدمات تخصصی (حسابداری و مشاوره)
۶. محیط اقتصادی

✓ ب) ساختار و پویایی صنعت:

۱. اندازه بازار
۲. رشد بازار
۳. ساختار بازار و صنعت
۴. تمرکز جغرافیای صنعتی
۵. استراتژی شرکت های بزرگ

✓ ج) چارچوب قانون و مقررات:

۱. سیستم مالیات
۲. سیستم حقوقی (رویه های ایجاد کسب و کار)
۳. قوانین و مقررات (کنترل قیمت ها و غیره)
۴. سیاست های حمایتی (یارانه، مشوق های مالیاتی و غیره)

✓ د) سرمایه های اجتماعی:

۱. یکپارچگی یا سلسله مراتب اجتماعی (میزان محرومیت اجتماعی)
۲. فرهنگ (احترام به کار آفرینان، احترام به استقلال و...)
۳. شبکه کارآفرینی (شبکه توسعه کارآفرینی، شبکه شرکت های کوچک)
۴. پشتیبانی نهادی (مراکز کمک به کارآفرینی)
۵. سیستم آموزشی (تدریس کارآفرینی در دوره های تحصیلی، توجه به یادگیری برای عمل)

۵) جنبه های فردی مربوط به کار آفرین:

۱. تجربه کاری (تجربه مدیریتی ، مشاغل قبلی)
۲. تحصیلات (سوابق آکادمیک ، رشته و گرایش تحصیلی)
۳. ظرفیت کار آفرینی (تمایل به مخاطره ، تحمل کار سخت ، انعطاف پذیری)
۴. دارایی (پس انداز نقدی ، اموال منقول و غیر منقول)
۵. عوامل جمعیت شناختی (سن ، جنسیت و شغل والدین)

البته باید به این مطلب نیز اشاره نمود که تاثیر عوامل فوق در جوامع مختلف یکسان نبوده و در هر جامعه با توجه به روند سیاستگذاری آن جامعه می تواند عوامل فوق تاثیر گذار گردد.

اهمیت و ضرورت کار آفرینی

بی شک روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تاثیر کار آفرینی است ، به گونه ای که کار آفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته نقش محوری داشته اند و کشورهای توسعه نیافته اهمیت آن را در توسعه اقتصادی نادیده گرفته اند تاریخچه توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته ، مستنداتی برای حمایت این واقعیت فراهم می آورد که اقتصاد تحت تاثیر کار آفرینی است .

شواهدی وجود دارد که نشان می دهد علت توسعه ی کشورهای همچون آمریکا ، ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته اند، کار آفرینی است. کار آفرینی هم اکنون به عنوان یک حوزه ظهور کرده است و همانند دیگر هدف ها باید توسعه یابد و از طریق برنامه های آموزشی و دانشگاهی خاص، مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی پرورش پیدا کند .

دلایل و اهمیت ضرورت کار آفرینی برای جوامع در حال توسعه و رشد و

توسعه اقتصادی از دیدگاه صاحب نظران ۶۷

۱. کار آفرینی موجب گردآوری پس اندازهای عمومی بی مصرف و سرگردان می شود و

تشکیل سرمایه را بهبود می بخشد.

تعریف خلاقیت^۱

بسیاری چنین می‌پندارند که خلاقیت یک ویژگی ذاتی و ارثی است که تنها برخی افراد خوشبخت با آن متولد می‌شوند، امروزه ثابت شده است که این توانایی در نوع بشر عمومیت دارد و همه در هنگام تولد به درجات گوناگون دارای این استعداد هستند. خلاقیت را به صورت های مختلف و متعددی تعریف کرده اند اما در همه این تعاریف دو مفهوم تازگی و نو بودن به همراه ارزشمندی و مناسب بودن مشترک می باشد^۲.

تعاریف

* خلاقیت عبارت است از به کار گیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید.

* خلاقیت توانایی ترکیب ایده هادر یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین ایده هاست. (سید جوادین)

* خلاقیت عبارت است از ایجاد راه حل تازه برای مسئله ای که فرد با آن روبه رو شده است که این راه حل باید ویژگی تازه و نو بودن را حتماً در بر داشته باشد.

مهارت های لازم برای ایجاد خلاقیت

۱. توانایی تفکر واگرا در فرد که با خلق راه حل های بسیار متفاوت دامنه وسیعی از ابعاد و زوایای مختلف یک مسئله را در نظر می گیرد.

۲. داشتن معلومات وسیع و تجربه مفید در زمینه خلاقیت.

۳. توانایی برقراری ارتباط با دیگران به منظور تبادل تجربیات و معلومات.

۴. توانمندی فردی برای تجزیه و تحلیل انتقادی، زیرا فرد در جریان شکل گیری خلاقیت به دلیل ذهن انگیزی به راه حل های متعددی می رسد.

ویژگی های افراد خلاق

برخی از دانشمندان معتقدند که خلاقیت و نوآوری مختص افراد خاص نیست و تمام افراد می توانند برای آن کوشش کنند و معتقدند که افراد در هر سطح سازمان و در هر رده شغلی قدرت خلاقیت را دارا هستند و برخی معتقدند که تعداد محدودی قادر به ارائه فکر نو می باشند.

برخی از ویژگی های افراد خلاق

۱. سلاست روانی و اگرایی: یعنی توانایی ایجاد تعداد زیادی ایده را به طور سریع دارا می باشد.
۲. انعطاف پذیری ادراکی: توانایی دست کشیدن از یک قاعده و چار چوب و یافتن چار چوب جدید.
۳. ابتکار: یعنی توانایی و تمایل به ایجاد جوابهای غیر معمول و مرسوم را دارا می باشد.
۴. ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی: توجه کردن و در نظر گرفتن چالشی جدید و مسائل پیچیده در آراستن وضعیت است.
۵. استقلال رای و داوری: به خود متکی بودن و سنجش افکار و ایده بر مبنای منطق و استقلال به دور از وابستگی ها.
۶. اعتماد به نفس داشتن: به توانایی های خود باور و برخورد تسلط و اطمینان داشتن.
۷. تمرکز ذهنی: به طور فعال و پر تلاش هم از نظر ذهنی و هم از نظر عمل باید به ایده پرداخت.
۸. مخاطره پذیر بودن: ترس از انتقاد و شکست نداشته باشد و هر اشتباه را به عنوان فرصت یادگیری جدید تلقی نموده و از شکست به عنوان یک پیروزی، یاد کند.

۹. افراد خلاق: سال های زیادی برای کسب دانش و تسلط بر موضوع مورد علاقه خود صرف می کنند و این موضوع به معنای داشتن تحصیلات نیست.

۱۰. زندگی نامه: دوران کودکی و نوجوانی افراد خلاق به طور معمول با رخداد های متنوعی همراه است نظیر وجود سختی ها در زندگی خانوادگی، کم یا زیاد شدن امکانات مالی، یا تمایل به عاداتهای اجتماعی.

۱۱. رفتار از نوع: یعنی شخصی که بسیار اهل رقابت و همواره سرآسیمه باشد و در کوتاه ترین زمان به بیشترین پیشرفت دست یابد و هر گاه ایجاب کند در برابر گروه های مخالف و هر چیزی که سد راهش باشد به شدت مقاومت خواهد کرد و دائم در حال محاسبه میزان کارهایی است که انجام داده.

عناصر خلاقیت ۱۲ مورد هر کدام ۲ مورد خدایم

خلاقیت متشکل از عناصر و اجزای مختلفی است آمابلی رئیس مرکز پژوهش های دانشکده بازرگانی دانشگاه هاروارد سه عنصر برای خلاقیت عنوان می دارد.

۱. مهارت های مربوط به خلاقیت ✓

۲. مهارت های مربوط به انگیزه ✓

۳. مهارت های مربوط به موضوع ✓

۱. مهارت های مربوط به موضوع:

دانش و شناخت ما نسبت به حقایق، اصول و نظریات آن موضوع که این از طریق استعداد، تجربه و آموزش در آن حوزه بدست می آید. کاملاً واضح است که انسان قبل از آنکه در یک زمینه خلاق شود باید دارای مهارت باشد که اکثر ما آن را نادیده می گیریم. دیوید بوهم شرط لازم برای خلاقیت و یاد گیری را مطالب تازه می داند حتی اگر این یاد گیری متضمن ابطال ایده ها و پندارهایی باشد که برای فرد ارزشمند و بدیهی به نظر می رسد.

۲. مهارت های مربوط به خلاقیت :

اگر فردی از بالا ترین حد مهارت نسبت به موضوع برخوردار باشد اما از مهارت های خلاقیت بی بهره باشد هرگز قادر به انجام کار خلاقانه نخواهد بود بلکه مهارت های موضوعی او بزرگترین مانع خلاقیت خواهد بود ولی اگر مهارت های خلاقیت را بدست آورد می تواند از مهارت موضوعی در راه جدید استفاده نماید و یا آنها را افزایش داده و شیوه های بهتری برای بکارگیری آنها اتخاذ کند .

ارزش های فکری زیر، مهارت خلاقیت را تقویت می کند^۱ :

شکستن عادت ، کنار گذاشتن شیوه های فکری پیشین و استفاده از روش های جدید ، به تعویق انداختن قضاوت و ارزیابی ایده ها ، جلوگیری از ضایع شدن ایده هایی که در ابتدا ممکن است جالب و مفید به نظر نیاید، درک مسائل پیچیده ، متفاوت دیدن مسائل ، وسعت فکر و برقراری ارتباط میان ایده های متفاوت .

۳. مهارت های مربوط به انگیزه

یکی از مهمترین اجزای خلاقیت ، انگیزه است که با وجود آن کار برای افراد ، جالب و لذت بخش خواهد بود . بدیهی است توانایی یادگیری موضوعات جدید در کل به وضعیت ذهنی انسان بستگی دارد نه به یک استعداد ذاتی و خدادادی و این توانایی یادگیری هنگامی به اوج می رسد که فرد نسبت به آن چه انجام می دهد علاقه ای کامل و بی قید و شرط داشته باشد .

انگیزه را می توان اینگونه تعریف کرد :

میل و رغبت درونی که فرد را به انجام کار یا فعالیتی وامی دارد.

انگیزه در افراد کارآفرین بسیار زیاد است زیرا آنها علاقه وافری به کسب و کار خود دارند . همانند رابطه عشقی بیل گیتس با کامپیوتر

افراد خلاق چگونه فکر می کنند؟ ^{۲ مورد با توضیح}

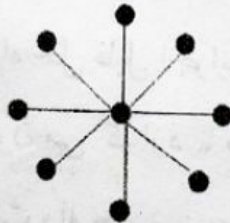
در افراد خلاق دو شیوه فکری وجود دارد :

۱. تفکر واگرا ۲. تفکر همگرا

همواره نحوه فکر کردن افراد خلاق مورد توجه دانشمندان بوده است ، گیلفورد کلید خلاقیت را در تفکر واگرا می داند و عده ای معتقدند که کارآفرینان مهارت خوبی در به کارگیری هر دو تفکر واگرا و همگرا دارند ولی برای حل مساله از هر دو بهره می گیرند .

۱. تفکر واگرا

تفکر واگرا برای تجزیه و تحلیل و باز کردن مشکل و دیدن همه ابعاد موضوع است که با طرح سوال هایی مانند (راجع به چیست ؟) ابعاد و زوایای مختلف مسئله را آشکار می سازد.



۲. تفکر همگرا

تفکر همگرا برای رسیدن به راه حل نهایی به کار می رود و با طرح سوالهایی مانند چرا ؟ مسئله را به اجزای کوچک تر تقسیم می نماید.

